



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

DOI: 10.22067/social.2021.70910.1044

مقاله پژوهشی

تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر نهاد وقف بر توسعه در شهر مشهد (مطالعه تطبیقی-تاریخی دوره‌های تیموری، صفویه و پهلوی)

ابوالفضل اکبری (دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

aboalfazlakbari@yahoo.com

حسین بهروان (استاد گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

behraavan@um.ac.ir

محسن نوغانی دخت بهمنی (دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

noghani@um.ac.ir

احمدرضا اصغریور ماسوله (استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

asgharpour@um.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با اتخاذ رویکرد تطبیقی-تاریخی به بررسی تأثیر نهاد وقف بر توسعه در شهر مشهد و عوامل تضعیف یا تقویت‌کننده آن در سه دوره تاریخی تیموری، صفوی و پهلوی پرداخته است. در قسمت چهارچوب نظری ضمن اشاره به نظریه‌های کارکردگرایی و ساختارگرایی، با استفاده از رویکرد نونهادگرایی در جامعه‌شناسی اقتصادی، یک مدل علی سه‌سطحی برای بررسی عوامل تضعیف‌کننده یا تقویت‌کننده تأثیر نهاد وقف بر توسعه ارائه شده است. این مدل در دو سطح درون‌موردی و بین‌موردی و با استفاده از روش تحلیل روایی، روش توافق و غیرمستقیم اختلاف میل بررسی و آزمون شد. نتایج بیان می‌کند، تقویت یا تضعیف تأثیر وقف بر توسعه در شهر مشهد در دوره‌های بررسی شده، تابعی از محیط نهادی وقف، عملکرد متولیان موقوفات و سازمان‌های متولی وقف در حفظ و توسعه موقوفات و نیات و انگیزه‌های واقفان بوده است؛ به طوری که در دوره‌های تیموری و صفوی به دلیل وجود محیط نهادی حامی وقف، عملکرد مؤثر متولیان و

سازمان‌های متولی وقف و تقویت انگیزه‌های معنوی واقفان و اثرگذاری بیشتر نيات آنها، تأثیر وقف بر توسعه در مشهد نیز تقویت شده است؛ درحالی‌که در دوره پهلوی به دلیل فقدان محیط نهادی حامی وقف، سوء عملکرد متولیان موقوفات و سازمان‌های متولی وقف، تضعیف انگیزه‌های معنوی واقفان و کاهش اثرگذاری نيات آنها، این تأثیر تضعیف شده است.

کلیدواژه‌ها: نهاد وقف، توسعه، مشهد.

۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین آثار و پیامدهای نهاد وقف در جوامع اسلامی، خاصیت شهرآفرینی و شکل‌دهی به ساختارهای فرهنگی و اجتماعی شهرهای اسلامی است؛ به طوری‌که وقف بر زندگی اقتصادی و اجتماعی در شهرهای اسلامی تأثیر عمیق گذاشته است (سادومان و آیسون^۱، ۲۰۰۹، ص. ۲۷۴). این تأثیر عمدتاً در قالب توسعه و شکل‌گیری تسهیلات عمومی مانند حمام، مدرسه و مسجد و ایجاد فضاهای شهری که دارای کارکردهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هستند و همچنین تأمین مسکن از طریق اراضی وقفی مدنظر قرار گرفته است (غزاله^۲، ۲۰۱۱؛ سادومان و آیسون، ۲۰۰۹). در ایران نیز از گذشته تا امروز، نهاد وقف نقش مهمی در توسعه کالبدی و فضایی، ایجاد فضاهای عمومی و توسعه اقتصادی و اجتماعی بسیاری از مناطق شهری (صفایی‌پور، سیاحی، شوشتری و داری‌پور، ۱۳۹۳؛ شاه‌حسینی، ۱۳۸۹؛ عشایر سلطانی، ۱۳۸۰) داشته است. این موضوع، به‌ویژه در شهری مانند مشهد از اهمیت خاصی برخوردار است؛ چراکه ساختار اقتصادی، اجتماعی و فضایی شهر مشهد دارای ویژگی‌هایی است که به‌طور عمده به عوامل مذهبی و زیارتی مثل موقوفات و اقتصاد زیارتی وابسته است و یکی از عوامل مهم مؤثر در نحوه شکل‌گیری شهر مشهد و ساختار کالبدی- فضایی آن، موقوفات عظیم آستان قدس رضوی است که در طول تاریخ

1. Saduman & Aysun
2. Ghazaleh

گسترش و تکامل پیدا کرده است (بی‌نا، ۱۳۸۶، ص. ۱۱). در حال حاضر نیز بیش از نیمی از اراضی شهر مشهد وقف است که بخش اعظم آن به موقوفات آستان قدس رضوی مربوط است (دهقان، ۱۳۸۴، ص. ۵).

با توجه به رویکرد تأمین نیازهای اساسی در تعریف مفهوم توسعه و طبق شواهد تاریخی موجود، نهاد وقف در دوره‌های مختلف از حیث تأمین نیازهای مادی، معنوی و زیست‌محیطی شهر مشهد بر توسعه در این شهر تأثیرگذار بوده است، اما این تأثیر در هیچ دوره تاریخی مانند دوره تیموری و صفویه تقویت نشده است (اکبری، ۱۳۹۹، ص. ۵)؛ به طوری که از دوره زمامداری تیموریان، به‌ویژه شاهرخ تیموری به‌عنوان سرآغاز اثرگذاری وقف بر توسعه در مشهد یاد می‌شود؛ چراکه شاهرخ پس از رسیدن به حکومت در صدد رفع خرابی‌ها و عمران و آبادانی شهرهای مختلف خراسان از جمله توس و مشهد برآمد و در این میان وقف به‌طور ویژه مدنظر قرار گرفت (قصابیان، ۱۳۷۷؛ سیدی، ۱۳۸۲). روی کارآمدن حکومت صفویه و توجه شاهان صفوی به مشهد موجب شد که در کنار افزایش کمی موقوفات، وقف نقش مهمی در بهبود وضعیت مادی و معنوی مردم این شهر ایفا کند و رفع بسیاری از نیازهای ضروری از جمله مشکل کم‌آبی و تأسیس فضاهای عمومی شهری از قبیل مساجد، کاروانسراها، مدارس، حمام و بیمارستان‌ها از طریق وقف انجام گیرد (قصابیان، ۱۳۷۷؛ سیدی، ۱۳۸۲؛ دهقان، ۱۳۸۴؛ شهیدی، ۱۳۹۴؛ فاضل بسطامی، ۱۳۹۰). تأسیس مدارس وقفی متعدد در این دوره نیز در ایجاد تحول علمی در مشهد نقش مؤثری ایفا کرد؛ به طوری که از دوره صفویه به‌عنوان دوران طلایی وقف در مشهد یاد می‌شود (نیک‌مهر و وکیلی، ۱۳۹۲، ص. ۱). در مقایسه با دوره صفویه و به‌رغم تداوم تاریخی وقف، تأثیر نهاد وقف بر توسعه شهر مشهد در دوره‌های دیگر از حیث تأمین نیازهای ضروری این شهر، روند نزولی به خود گرفته و تضعیف شده است (اکبری، ۱۳۹۹، ص. ۵). این تضعیف، به‌ویژه در دوره حکومت پهلوی درخور توجه است؛ چراکه به لحاظ آماری در بخشی از این دوره با کاهش و در بخشی دیگر با افزایش موقوفات در مشهد مواجه هستیم (نیک‌مهر و

وکیلی، ۱۳۹۲، صص. ۲۲۹-۲۳۱)، اما به طور کلی وقف در این دوره، در یکی از بدترین شرایط خود قرار داشته است و نه تنها بسیاری از موقوفات صادره شده و از حالت وقف خارج شدند، بلکه موقوفات شاخص و اثرگذار مشهد چون مسجد گوهرشاد و مدرسه عباسقلی خان نیز از ابعاد مختلف شرایط مساعدی نداشته‌اند و بسیاری از رقبات^۱ آن‌ها از بین رفته است و این موقوفات حتی برای ادامه حیات خود نیز با مشکل مواجه بوده‌اند (سیدی، ۱۳۸۶؛ نوایی و ملک‌زاده، ۱۳۸۴).

مسئله تقویت تأثیر نهاد وقف بر توسعه در شهر مشهد در دوره‌های تیموری و صفویه و تضعیف این تأثیر بر دوره پهلوی، بیانگر وجود عواملی است که بر ظرفیت توسعه‌ای نهاد وقف در این شهر تأثیر گذاشته است و شناخت آن‌ها می‌تواند به افزایش کارایی نهاد وقف در توسعه و بهره‌گیری هر چه بیشتر از ظرفیت آن در جهت رفع نیازها و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم مشهد منجر شود؛ بنابراین هدف پژوهش حاضر، شناخت عواملی است که موجب تقویت تأثیر وقف بر توسعه در شهر مشهد در دوره‌های تیموری و صفوی و تضعیف این تأثیر در دوره پهلوی شده است؛ بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش این است که چگونه و تحت تأثیر چه عوامل و شرایطی، تأثیر نهاد وقف بر توسعه در شهر مشهد در دوره‌های تیموری و صفویه تقویت شده و در دوره پهلوی تضعیف شده است؟

۲. مبانی نظری تحقیق

۲.۱. تعریف مفاهیم تحقیق

در بیشتر کتب فقهی، وقف به معنای تحبیس^۱ الأصل و تسبیل^۲ المنفعه یا اطلاق^۳ المنفعه به مفهوم نگهداری مال و رهاکردن منفعت آن آمده است (نیازی، جعفرپور و کارکنان نصرآبادی، ۱۳۹۴، صص. ۱۵-۱۶). همچنین مطابق ماده ۵۵ قانون مدنی، وقف عبارت است از اینکه عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود (امامی، ۱۳۸۳، ص. ۳۵)، اما از آنجاکه در

۱. به هر واحد از مال موقوفه که به تنهایی قابل انتفاع است، در اصطلاح «رَبَّه» گفته می‌شود.

پژوهش حاضر وقف به‌مثابه یک نهاد مدنظر است، توجه به تعاریف ارائه‌شده از نهاد ضروری به نظر می‌رسد. در جامعه‌شناسی، نهاد نظامی به‌نسبت پایدار و سازمان‌یافته از الگوهای اجتماعی از قبیل باورها، سنت‌ها، ارزش‌ها و هنجارهایی است که برخی از رفتارهای نظارت‌شده و یکسان را با هدف برآوردن نیازهای اساسی جامعه در بر می‌گیرد (کوئن، ۱۳۹۳، ص. ۱۴۷). به اعتقاد ویکتور نی^۱، نهاد سیستم مسلطی از عناصر به هم وابسته رسمی (قوانین، مقررات) و غیررسمی (عرف، هنجارها) است که کنشگران کنش‌های خود را هنگام تعقیب منافعشان بر محور آن‌ها تنظیم می‌کنند (نی، ۲۰۰۳، ص. ۲۳). براساس این تعریف، مجموعه‌ای از محدودیت‌های رسمی و غیررسمی رابطه بین اجزا و عناصر مختلف در نهاد وقف را تنظیم می‌کند و مجرای برای کنش جمعی کنشگران عرصه وقف از جمله واقفان و متولیان را فراهم می‌آورد؛ بنابراین تعریف وقف به‌مثابه یک نهاد عبارت است از: نظامی متشکل از مجموعه‌ای از قوانین رسمی، مقررات سازمانی، هنجارها و باورهای اجتماعی که کنشگران فردی و سازمانی عرصه وقف کنش‌های خود را بر محور آن‌ها تنظیم کرده و کارکردهای مختلفی را در جهت رفع نیازهای جامعه ایفا می‌کنند.

ادبیات مربوط به توسعه نیز نشان می‌دهد که معنای این مفهوم در هر دوره زمانی تغییر کرده و با توجه به شرایط هر دوره، تعریفی از توسعه بیشتر مدنظر بوده است. از جمله رویکردهای مطرح در تعریف مفهوم توسعه، رویکرد تأمین نیازهای اساسی است که در ذیل رویکردهای انسان محور به توسعه قرار می‌گیرد. این رویکردها به پایداری نیازهای اساسی انسان مانند تغذیه و سرپناه و آزادی‌های انسانی شامل حقوق سیاسی، امکانات اقتصادی و بخت‌های اجتماعی و توسعه انسانی منجر می‌شود که موجب بسط انتخاب‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی می‌شود (مگیس و شین^۲، ۲۰۰۹، ص. ۴)؛ بنابراین تأمین نیازهای اساسی و در نتیجه از میان برداشتن فقر مطل، باید در برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه در

1. Victor Nee

2. Magis & Shinn

اولویت نخست باشد (هانت، ۱۳۸۶، ص. ۳۰۰). این نیازهای اساسی عبارت‌اند از: حداقل نیازهای مصرفی مانند غذا، مسکن و پوشاک، برخورداری از خدمات عمومی و ضروری مانند آب آشامیدنی سالم، بهداشت، آموزش، سلامت و حمل‌ونقل، دسترسی به اشتغال دستمزدی با مزایای مکفی و تأمین نیازهای کیفی مانند برقراری محیط سالم و ایمن و مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها (مگیس و شین، ۲۰۰۹، ص. ۲۰). از این منظر، در فرایند توسعه سه دسته هدف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی و بر مبنای آن سه محیط و سه بعد اصلی وجود دارد. بعد اقتصادی به رشد اقتصادی و سایر ویژگی‌های اقتصادی مرتبط است و در آن رفاه فرد و جامعه باید از طریق استفاده بهینه و کارایی منابع طبیعی و توزیع عادلانه منافع حداکثر شود. بعد اجتماعی به رابطه انسان و انسان، ارتقا، رفاه فرد، سلامت، بهداشت، خدمات آموزشی، توسعه فرهنگ‌های مختلف و برابری و رفع فقر مربوط است. بعد زیست‌محیطی با حفاظت و تقویت پایه منابع فیزیکی، بیولوژیک و اکوسیستم مرتبط است و به رابطه طبیعت و انسان می‌پردازد (زاهدی و نجفی، ۱۳۸۵، ص. ۶۳)؛ بنابراین در پژوهش حاضر، توسعه فرایندی است که در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیطی به بهبود وضعیت جوامع انسانی می‌انجامد.

۲.۲. چارچوب نظری تحقیق

براساس مفروض‌های رویکرد کارکردگرایی، نهاد وقف کارکردهای گوناگونی در عمران و آبادانی، ارضای روانی و عاطفی واقفان، کمک به فقیران و نیازمندان و انجام مراسم عبادی و مذهبی ایفا می‌کند (نیازی و همکاران، ۱۳۹۴، صص. ۸۱-۸۲). در همین راستا، پروفیسور اکارت اهلرز^۱ اهمیت اقتصادی-اجتماعی نهاد وقف در جوامع اسلامی را در چهار کارکرد عمده خلاصه می‌کند: نخستین کارکرد به تهیه و تدارک قسمت اعظم وظایف و مراسم دینی از جمله سازماندهی، تقبل و تأمین تمام یا قسمتی از هزینه‌های جاری و تعمیرات و مرمت مساجد، حوزه‌های علمیه و حسینیه‌ها، برگزاری مراسم عزاداری و اعیاد و جشن‌های مذهبی

1. Eckart Ehlerz

اشاره دارد؛ کارکرد دوم، شامل کمک‌های گوناگون به فقرا، بینوایان، دانش‌آموزان و مدارس شهری و اداره و نگهداری برخی از بیمارستان‌ها، حمام‌ها، آب‌انبارها و انجام سایر امور خیریه و عام‌المنفعه می‌شود؛ کارکرد سوم به تأمین مسکن ارزان‌قیمت برای مردم نادر و واگذاری زمین‌های وقفی با اجاره طولانی‌مدت به مردم می‌پردازد؛ کارکرد آخر که کارآفرینی است موجب می‌شود جمع زیادی از شاغلان به‌طور مستقیم در املاک، اماکن متبرکه و سازمان‌های اوقاف شهرها و کشورهای اسلامی به کار اشتغال داشته باشند (اهلرز، ۱۳۷۴، صص. ۵۲-۵۳). نهاد وقف همچنین از نظر کالبدی، نوعی پیوستگی و وحدت فضایی بین مناطق و محلات مختلف شهر ایجاد کرده است (شهابی، ۱۳۸۳، ص. ۱۴۰). در همین راستا، آندره ریمون، وقف را موضوعی درخور توجه در شکل دادن به سازمان فضایی شهر و کمک به گسترش فعالیت‌های شهری دانسته است (ریمون، ۱۳۷۰، صص ۳۳-۳۲).

ساختارگرایی، رویکرد نظری دیگری است که در بررسی نهاد وقف می‌تواند مدنظر قرار گیرد. براساس این رویکرد، ساخت مجموعه‌ای از اجزا و عناصر به هم پیوسته است که با یکدیگر ارتباط دارند. چنانچه از این دیدگاه نهاد وقف بررسی شود، باید اجزای آن به‌ویژه سازمان و اداره اوقاف مطالعه شود. اوقاف سازمانی است که کارایی خود را با نیازهای اداری و انسانی وفق می‌دهد. این نگرش می‌تواند مسائل و مشکلات سازمان اوقاف و ارتباط آن با نهادها، سازمان‌های اجتماعی و چگونگی مدیریت اماکن وقفی برای حل مسائل موجود را مطالعه کند و آن‌ها را بسنجد (نیازی و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۸۳).

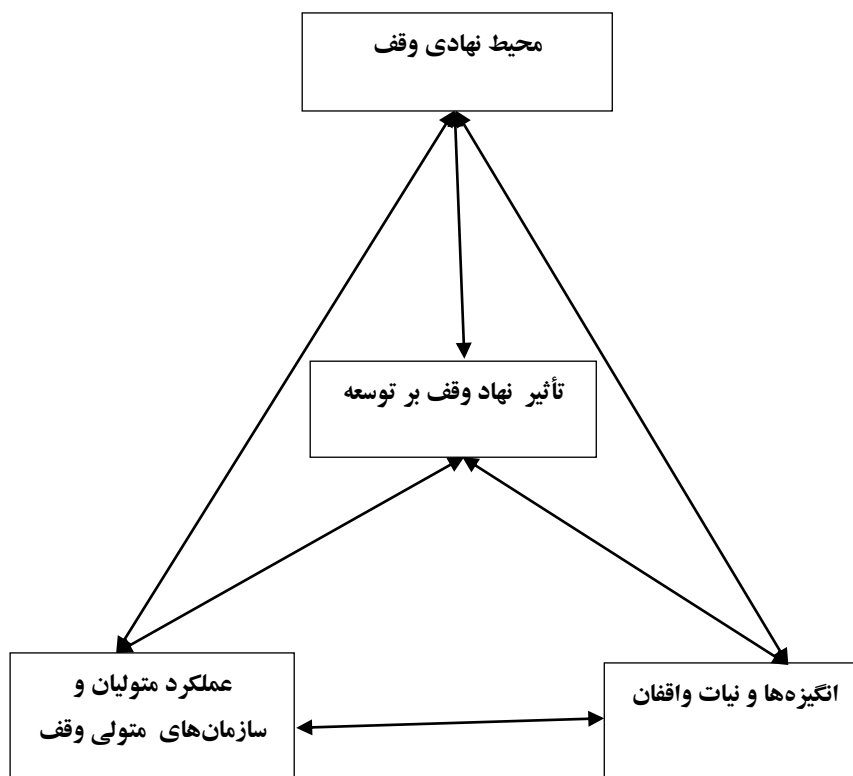
براساس رویکرد نونهادگرایی در جامعه‌شناسی اقتصادی^۱ که رویکرد نظری مدنظر در پژوهش حاضر نیز است، نهاد عبارت است از: «سیستمی از عناصر به هم وابسته رسمی (قوانین رسمی، قواعد و مقررات سازمانی) و غیررسمی (سنت، باورها، عرف، هنجارها) که کنشگران، کنش‌های خود را هنگام تعقیب منافعشان بر محور آن‌ها تنظیم می‌کنند» (نی، ۲۰۰۳، ص. ۲۳). درواقع، کنشگران اعم از افراد و سازمان‌ها، منافع و علایق واقعی خود را

در ساختارهای نهادی به هم پیوسته دنبال می‌کنند. نونهادگرایی در جامعه‌شناسی اقتصادی، هرگونه تغییر نهادی را که در نهایت به تغییر در کارکردهای یک نهاد منتهی می‌شود، نتیجه برهم‌کنش عواملی در سطوح نهادی، سازمانی و فردی می‌داند؛ به طوری که در سطح کلان و نهادی، محیط نهادی^۱ قرار دارد که قواعد تنظیمی رسمی را در بر می‌گیرد که به وسیله دولت کنترل و اجرا می‌شود. هرگونه تغییر در محیط نهادی از یک سو نیت و انگیزه‌های کنشگران سطح فردی را تغییر می‌دهد و از سوی دیگر در سطح میانی و سازمانی به تغییر قواعد بازی برای سازمان‌ها می‌انجامد. در سطح سازمانی، سازمان‌هایی اعم از بنگاه‌های تجاری و سازمان‌های غیرانتفاعی قرار دارند که با هدف کسب منفعت و مشروعیت از طریق فرایند هم‌ریختی، ساختار خود را با قواعد بازی تغییر یافته در محیط نهادی، مطابقت می‌دهند و از طریق فرایندهای نظارت و کنترل (مانند قواعد اداری) منطبق با محیط نهادی، موجب تغییر نیت و انگیزه‌های کنشگران می‌شوند. همچنین این سازمان‌ها از طریق همکاری و کنش جمعی که با یکدیگر دارند، می‌توانند تغییراتی را در قواعد بازی محیط نهادی ایجاد کنند. در سطح خرد و فردی نیز کنشگرانی قرار دارند که با هدف دستیابی به منافع مادی یا غیرمادی، کنش خود را انجام می‌دهند. این کنشگران در انجام کنش خود آزادی کامل ندارند و نیت و انگیزه‌های آن‌ها می‌تواند با هرگونه تغییر در قوانین رسمی، قواعد اداری و باورها و هنجارهای اجتماعی موجود در روابط اجتماعی تغییر کند. از طرف دیگر، این کنشگران از طریق رد یا قبول هنجارهای اجتماعی می‌توانند تغییراتی را در محدودیت‌های رسمی محیط نهادی و عملکردهای سازمانی به وجود آورند (نی، ۲۰۰۳، صص. ۲۵-۳۵).

با توجه به رویکرد نونهادگرایی در جامعه‌شناسی اقتصادی، در هر جامعه‌ای نهاد وقف دارای محیطی نهادی است که این محیط شامل مجموعه‌ای از محدودیت‌های رسمی (قوانین، مقررات) می‌شود که کنشگران فردی و سازمانی عرصه وقف، کنش‌های خود را با هدف دستیابی به اهداف مادی یا معنوی بر محور آن‌ها تنظیم می‌کنند و کارکردهایی را در جهت

1. Institutional Environment

رفع نیازهای ضروری جامعه ایفا می‌کنند؛ بنابراین تغییر در کارکردهای نهاد وقف از حیث تأثیری که این نهاد بر توسعه می‌گذارد، به رابطه متقابل عواملی در سطوح نهادی، سازمانی و فردی بستگی دارد. در سطح کلان و نهادی، محیط نهادی وقف قرار دارد که در قالب سیاست دولت یا حکومت در قبال وقف به‌خصوص از طریق وضع قوانین رسمی، خود را نشان می‌دهد. محیط نهادی هم بر عملکرد متولیان و سازمان‌های متولی وقف و هم بر شکل‌گیری نیت و انگیزه‌های واقفان تأثیر می‌گذارد. در سطح میانی و سازمانی، متولیان و سازمان‌های متولی وقف قرار دارند که عملکرد آنان در عمل بر نیت واقفان و حفظ و توسعه موقوفات، محیط نهادی وقف و نیت و انگیزه‌های واقفان تأثیر می‌گذارد. در سطح خرد نیز واقفانی هستند که نیت و انگیزه‌های آنها از یک طرف بر محیط نهادی وقف و از طرف دیگر بر عملکرد متولیان و سازمان‌های متولی وقف تأثیر می‌گذارد؛ به طوری که، وجود محیط نهادی حامی وقف، عملکرد مؤثر متولیان و سازمان‌های متولی وقف در حفظ و توسعه موقوفات و تقویت انگیزه‌های معنوی واقفان و افزایش اثرگذاری نیت آنها، تأثیر وقف بر توسعه را تقویت می‌کند؛ برعکس، وجود محیط نهادی ضعیف، سوءمدیریت متولیان و سازمان‌های متولی وقف و تضعیف انگیزه‌های معنوی واقفان و کاهش اثرگذاری نیت آنها، این تأثیر را تضعیف می‌کند.



شکل ۱. مدل نظری تحقیق

شکل ۱ در قالب مدل نظری پژوهش، عواملی را نشان می‌دهد که بر طبق رویکرد نونهادگرایی در جامعه‌شناسی اقتصادی، تأثیر نهاد وقف بر توسعه را تقویت یا تضعیف می‌کنند.

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر با استفاده از روش تطبیقی-تاریخی انجام شده است. روش تطبیقی-تاریخی روشی مورد محور است و محقق به جای یک مورد با تعداد معدودی از موردها یا چند واحد تحلیل سروکار دارد. در این روش، یک واقعه در درون چند واحد اجتماعی

بررسی می‌شود (ساعی، ۱۳۹۲؛ طالبان، ۱۳۹۳؛ ریگین، ۱۳۹۷). در روش تطبیقی-تاریخی، تحلیل تفسیری-تاریخی و تحلیل تبیینی حضور هم‌زمان دارند. در تحلیل تفسیری-تاریخی، واقعه مطالعه‌شده در زمینه اجتماعی خاص خود قرار داده شده و با کمک تئوری به تحلیل آن واقعه پرداخته می‌شود. در تحلیل تبیینی که علت‌کاوانه است، سعی می‌شود واقعه پژوهش‌شده همراه با حضور و غیاب شروط علی در سطح واحدهای کلان اجتماعی تحلیل شود (ساعی، ۱۳۹۲، ص. ۹۳).

سه دوره تیموری، صفویه و پهلوی در شهر مشهد موردهای پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند. این دوره‌ها در دو سطح درون‌موردی و بین‌موردی و با به‌کارگیری تلفیقی از استراتژی‌های اسمی و روایتی بررسی شده‌اند. تلفیق استراتژی‌های مذکور این مزیت را دارد که به محقق کمک می‌کند تا با خنثی کردن محدودیت‌های مرتبط با هریک از این استراتژی‌ها توسط دیگری، به تحلیلی متوازن دست یابد (طالبان، ۱۳۹۲، ص. ۱۸۶)؛ بر این اساس، در سطح درون‌موردی با توجه به مدل نظری پژوهش به تحلیل روایی هریک از عوامل علی مدل و پیامد آن (معلول) پرداخته شده است. در سطح بین‌موردی نیز از روش توافق و روش غیرمستقیم اختلاف میل برای شناسایی عواملی استفاده شده است که تأثیر وقف بر توسعه در شهر مشهد در هریک از دوره‌های مذکور را تقویت یا تضعیف کرده‌اند؛ به این منظور، با توجه به نتایج تحلیل روایی انجام‌شده در سطح درون‌موردی، وضعیت هریک از عوامل علی و پیامد بررسی شده در هرکدام از دوره‌های تیموری، صفویه و پهلوی در قالب جدول مقایسه اسمی به صورت حضور و نبود حضور یا بله و خیر مشخص شد. در این مرحله به هرکدام از متغیرهای تبیینی و متغیر پیامدی یک عدد در سطح سنجش ترتیبی اختصاص داده شد که کمینه آن ۱ و بیشینه آن ۴ بود؛ به طوری که در صورت نبود عامل مدنظر، رتبه ۱ به آن عامل داده شد. رتبه ۲ به معنی وجود بخش اندکی از عامل و پدیده مدنظر بود. رتبه ۳ هنگامی به عاملی داده می‌شد که پدیده دارای اثر بود، ولی وجود آن کامل و تمام نبود. رتبه ۴ نیز به معنی وجود و تأثیر کامل پدیده مدنظر بود. در نهایت، در جدول

مقایسه اسمی، رتبه‌های ۱ و ۲ معادل با خیر و رتبه‌های ۳ و ۴ معادل با بله در نظر گرفته شدند.

۳.۱. سنجش متغیرهای تحقیق

۳.۱.۱. توسعه

در تحقیق حاضر براساس تعریفی که قبلاً از توسعه ارائه شد، توسعه دارای ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیطی است که به دلیل فقدان منابع و دشواری دسترسی محققان به اطلاعات کامل مربوط به دوره‌های بررسی شده، به‌ناچار شاخص‌هایی از هر بعد مدنظر قرار گرفت که امکان دستیابی به اطلاعات مربوط به آن‌ها از خلال منابع تاریخی دردسترس، میسر باشد؛ بر این اساس، در بعد مادی و اقتصادی توسعه و تأثیری که وقف بر این بعد داشته است، حجم سرمایه فیزیکی انباشته شده در موقوفات مشهد از طریق حجم و گستردگی رقبات وقفی و تنوع موارد مصرف آن‌ها در ارتباط با تأمین نیازهای مادی مردم این شهر (از جمله تأمین آب و مایحتاج ضروری زندگی) مدنظر قرار گرفت. در بعد اجتماعی به تأمین نیازهای اجتماعی و معنوی مردم مشهد به‌ویژه ارتقای سطح دانش، آگاهی و سلامتی آن‌ها از طریق تأسیس مدارس، مساجد، حوزه‌های علمیه و بیمارستان‌های وقفی توجه شد. در بعد محیطی توسعه نیز گسترش کالبدی و فیزیکی شهر مشهد از طریق اراضی و بناهای وقفی و توسعه و نوسازی حرم مطهر رضوی از طریق موقوفات مدنظر قرار گرفت.

۳.۱.۲. محیط نهادی وقف

با توجه به تعریفی که در رویکرد نونهادگرایی در جامعه‌شناسی اقتصادی از محیط نهادی ارائه شد، محیط نهادی وقف در هر دوره با توجه به سیاست دولت یا حکومت آن دوره درباره وقف، به‌ویژه در قالب وضع قوانین رسمی بررسی شد.

۳.۱.۳. عملکرد متولیان و سازمان‌های متولی وقف

عملکرد متولیان و سازمان‌های تولی وقف در هر دوره با توجه به اقدامات آن‌ها در جهت حفظ و توسعه موقوفات آن دوره بررسی شد.

۳. ۱. ۴. انگیزه‌ها و نیت واقفان

برای بررسی انگیزه‌ها و نیت واقفان به منابع و به‌خصوص وقف‌نامه‌های شاخص و در دسترس هر دوره مراجعه شد. همچنین اثرگذاری نیت واقفان با توجه به پایگاه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن‌ها در جامعه، موارد مصرف مدنظر آن‌ها از حیث توجه به نیازهای ضروری جامعه، کثرت و تنوع رقباتی بررسی شد که وقف کرده‌اند و شروط مختلفی که مدنظر قرار داده‌اند.

۳. ۲. اعتبار و پایایی تحقیق

استفاده از تکنیک‌های تثلیث نظیر استفاده از منابع تأییدگر، محققان و روش‌های متعدد در طی فرایند جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها از روش‌های افزایش اعتبار تحقیق کیفی است (عباس‌زاده، ۱۳۹۱، ص. ۲۳)؛ بنابراین در تأمین اعتبار پژوهش حاضر نیز اول اینکه از اسناد و منابع معتبر و متعدد استفاده شد، دوم اینکه برای کاهش سوگیری فردی محقق، نظرهای داوران (اساتید) و همسازی و توافق آن‌ها با داده‌ها و نتایج تحقیق مدنظر قرار گرفت و سوم اینکه در بحث روش‌شناسی نیز از تلفیقی از استراتژی‌های اسمی و روایتی استفاده شد.

۴. یافته‌های تحقیق

۴. ۱. یافته‌های درون‌موردی

در این قسمت به دلیل رعایت اصل اختصار، فقط به شواهد مربوط به عوامل علی و پیامد حاصل از آن در هرکدام از دوره‌های بررسی شده اشاره شده یا اینکه صرفاً نتایج آن‌ها آورده شده است؛ بنابراین به‌ناچار جویندگان تفصیل بیشتر را به اصل رساله (اکبری، ۱۳۹۹) ارجاع می‌دهیم که حاوی توضیحات و منابع متعدد درباره‌ی هر دوره است.

۴. ۱. ۱. دوره تیموری

شواهد موجود درباره‌ی عامل محیط نهادی وقف در مشهد دوره تیموری بیانگر آن است که به‌رغم حضور قوانین شرعی مربوط به وقف، قوانین رسمی و حکومتی خاصی در حمایت از

وقف و موقوفات وجود نداشته است، اما در سایه توجه ویژه سلاطین تیموری به خصوص شاهرخ میرزا به شهر مشهد، عمران و آبادانی این شهر از طریق وقف مدنظر قرار گرفته است (قصابیان، ۱۳۷۷، صص. ۱۶۴-۱۶۵؛ سیدی، ۱۳۸۷، صص. ۵۹-۶۲؛ سیدی، ۱۳۸۲، صص. ۴۷-۴۸)؛ چنانکه گوهرشاد خاتون، همسر شاهرخ، پس از اتمام بنای مسجد گوهرشاد رقبات بسیاری از اموال خالصه خود را وقف بر آن کرد (عنبری و خالندی، ۱۳۹۱، ص. ۸؛ یزدی مطلق، ۱۳۸۰، ص. ۱۸۸). از طرفی در این دوره، وقف حمایت شده از سوی افراد دیگری از امرا و اشراف لشکری و کشوری قرار داشت که معروفترین آنها امیر علیشیر نوایی، وزیر معروف سلطان حسین بایقرا، بوده است که در زمان او نیمی از صحن عتیق (انقلاب اسلامی کنونی) و ایوان امیر علیشیر نوایی (ایوان طلا) بر مجموعه بناهای موجود در آستان قدس رضوی اضافه شد (قصابیان، ۱۳۷۷، صص. ۱۷۲-۱۷۳؛ سیدی، ۱۳۸۲، صص. ۴۸-۴۹)؛ بنابراین در سایه توجه سلاطین و امرای تیموری به وقف و ایجاد موقوفات متعدد توسط آنها، یک محیط نهادی قوی برای وقف در شهر مشهد شکل گرفت که در ذیل آن، دستگاه حکومتی وقف را تشویق و حمایت کرد؛ بنابراین با توجه به توضیحات ذکر شده، به عامل محیط نهادی وقف در مشهد دوره تیموری، نمره ۳ اختصاص داده شد که معادل با «بله» در جدول مقایسه اسمی است.

درباره عامل عملکرد متولیان موقوفات و سازمان‌های متولی وقف در مشهد دوره تیموری باید گفت، در این دوره تشکیلات اداری خاصی که متولی وقف و موقوفات کشور باشد وجود نداشته و اداره امور اوقاف توسط مقامی به نام صدر یا صدرالصدور انجام می‌شده است (عنبری و خالندی، ۱۳۹۱، ص. ۱۱؛ خواندمیر، ۱۳۳۳، ص. ۶۳۹). انتخاب این مقام نیز غالباً از میان سادات هر شهر بوده است (حسینی تربتی، ۱۳۴۲، ص. ۱۷۶). در شهر مشهد سادات موسوی برای خویش نقیبانی انتخاب می‌کردند و این نقبا که از قدرت و اهمیت خاصی برخوردار بودند، اداره حرم حضرت رضا (ع) و موقوفات آن را بر عهده داشتند (سیدی، ۱۳۸۲، ص. ۴۶؛ سیدی، ۱۳۸۷، ص. ۶۰). درباره موقوفات دیگر مشهد در این دوره،

تولیت عمدتاً به خود واقف و اعقاب او به صورت نسل بعد نسل تعلق داشته است. وضعیت عملکرد تولیت در شاخص‌ترین موقوفه این دوره یعنی موقوفه گوهرشاد بیانگر آن است که در یک بازه زمانی ۳۳۱ ساله، مسجد گوهرشاد دارای متولی رسمی بوده و به‌رغم تحولات تاریخی در طی این دوره، موقوفات مسجد نسبتاً از تعرض و تعدی روزگار مصون مانده و تنها چند رقبه از موقوفات گوهرشاد از تصرف وقف خارج شده است (سیدی، ۱۳۸۶، صص. ۲۴۷-۲۴۸). این امر تا حدودی نشان‌دهنده عملکرد موفق متولیان در حفظ و توسعه موقوفات مشهد در دوره تیموری است؛ بنابراین به عملکرد متولیان موقوفات در مشهد دوره تیموری نمره ۳ اختصاص داده شد که معادل با «بله» در جدول مقایسه اسمی است.

شواهد موجود درباره عامل نیت و انگیزه‌های واقفان مشهد در دوره تیموری حاکی است که واقفان این دوره در انجام وقفیات خود انگیزه‌های متفاوتی داشته‌اند که مشروعیت بخشیدن به تملک زمین، انگیزه‌های مذهبی، سیاسی، اقتصادی، جلوگیری از غصب اموال و احسان و خیرخواهی از آن جمله بوده است (عنبری و خالندی، ۱۳۹۱، ص. ۱۳)؛ با وجود این، از آیات، روایات و اشعار به‌کاررفته در مقدمه وقف‌نامه‌ها و تأکید واقفان بر ناپایداری زندگی دنیوی و لزوم بر جای گذاشتن صدقه جاریه‌ای پس از مرگ (انزابی‌نژاد، ۱۳۸۸؛ سیدی، ۱۳۸۶)، این‌گونه برمی‌آید که انگیزه‌های مذهبی و خدایسندانه، مهم‌ترین انگیزه‌ای بوده که واقفان این دوره را به وقف اموالشان تشویق کرده است. بالابودن سطح پایگاه اقتصادی-اجتماعی واقفان مشهد در دوره تیموری که عمدتاً سلاطین، امرا و افرادی از خاندان سلطنتی بودند، اثرگذاری بیشتر نیت آن‌ها را به همراه داشته است (انزابی‌نژاد، ۱۳۸۸). همچنین تأمین نیازهای ضروری شهر مشهد از جمله تقویت مبانی دینی و آموزش علوم اسلامی، تأمین هزینه‌های زوار مرقد مطهر رضوی و هزینه‌های مربوط به طلبه و اهل علمی که از شهرهای دیگر به قصد زیارت و تحصیل علوم دینی به مشهد می‌آمده‌اند، مدنظر واقفان این دوره قرار گرفته است (پسندیده، ۱۳۸۰، ص. ۴۱؛ سیدی، ۱۳۸۶، ص. ۱۲۲؛ انزابی‌نژاد، ۱۳۸۸، ص. ۲۴). کثرت و تنوع رقبات در نظر گرفته‌شده (اعم از دکاکین، قنوات،

مزارع، باغ ها، چهارپایان و...) توسط واقفان برای تأمین هزینه‌های موقوفات و گنجانیدن شروط مختلف در وقف‌نامه‌ها توسط آن‌ها با هدف حفظ و توسعه هر چه بیشتر موقوفات (انزابی‌نژاد، ۱۳۸۸)، از دیگر عواملی بوده که اثرگذاری بیشتر نیات واقفان مشهد در دوره تیموری را به همراه داشته است؛ بنابراین به عامل نیات و انگیزه‌های واقفان مشهد در دوره تیموری، نمره ۳ اختصاص داده شد که معادل با «بله» در جدول مقایسه اسمی است.

متغیر پیامدی تأثیر وقف بر توسعه شهر مشهد نیز حاکی است که در دوره تیموری به دلایل مذهبی و از جمله وجود مرقد مطهر امام رضا (ع) موقوفات بسیاری ایجاد شد که تنوع و تعدد آن‌ها از عوامل مهم شکوفایی و رونق مشهد در این دوره بوده است (عنبری و خالندی، ۱۳۹۱، ص. ۱۵). یکی از مواردی که حکایت از تأثیر وقف بر بعد اقتصادی توسعه در شهر مشهد در عصر تیموری دارد، حجم زیاد سرمایه فیزیکی انباشته شده در موقوفات این دوره است؛ به طوری که در وقف‌نامه‌های مربوط به مسجد گوهرشاد و مدرسه پریزاد تعداد زیادی از املاک، مزارع، باغ ها، قنوات، دکاکین، حمام و جویبارهای شهر مشهد به تصرف وقف درآمده است (انزابی‌نژاد، ۱۳۸۸؛ سیدی، ۱۳۸۶؛ پسندیده، ۱۳۸۴؛ سیدی، ۱۳۸۲). مصارف مربوط به موقوفات این دوره نیز بیانگر آن است که در کنار توجه به نیازهای مادی از جمله اطعام فقرا و تأمین هزینه‌های مسافران، در بعد اجتماعی توسعه نیز از طریق تأسیس مدارس و مساجد وقفی، همچون مدارس پریزاد، دودر و شاهرخ و مسجد گوهرشاد گام‌های مهمی را از طریق واقفان در زمینه آموزش و تحکیم مبانی دینی در بین مردم مشهد و تربیت دینی آن‌ها برداشته شده است (پسندیده، ۱۳۸۰، ص. ۴۱؛ سیدی، ۱۳۸۶، ص. ۱۲۲؛ انزابی‌نژاد، ۱۳۸۸، ص. ۲۴). در بعد محیطی توسعه نیز گسترده‌گی رقبات وقفی و احداث بناهای شهری وقفی اعم از مدارس، مساجد و حمام‌ها موجب توسعه فیزیکی و فضایی شهر مشهد از طریق وقف در دوره تیموری شد. در این دوره، وقف نقش مهمی نیز در معماری و توسعه فیزیکی حرم مطهر از طریق تأسیس مدارس وقفی بالاسر، دودر، پریزاد و مسجد گوهرشاد و ایوان‌های دارالسیاده، دارالحفاظ و دارالسلام ایفا کرد. اولین صحن و ایوان

معروف به ایوان طلا نیز توسط امیر علیشیر نوایی بر مجموعه بناهای موجود در حرم مطهر رضوی اضافه شد (سیدی، ۱۳۸۲، ص. ۸۴؛ قصابیان، ۱۳۷۷، ص. ۱۷۳)؛ بنابراین به پیامد بررسی شده یعنی تأثیر وقف بر توسعه شهر مشهد در دوره تیموری، نمره ۳ اختصاص داده شد که معادل با «بله» در جدول مقایسه اسمی است.

۴. ۱. ۲. دوره صفویه

درباره محیط نهادی وقف در مشهد دوره صفوی، منابع موجود حاکی است که به دلیل سیاست تثبیت مذهب تشیع در ایران و تشویق مردم به زیارت اماکن مقدسه داخلی، وقف توجه شده و حمایت شده ویژه از سوی بیشتر شاهان صفوی قرار داشته و بیشترین توسعه اوقاف به این دوره مربوط بوده است (نیازی و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۵۲). شهر مشهد نیز به دلیل دفع حملات ازبکان و ایجاد ثبات، امنیت و آرامش نسبی در آن، با استقبال روز افزون زائران مواجه شد؛ به همین دلیل شاهان صفوی و به خصوص شاه عباس اول در سفرهای متعدد خود به مشهد با ایجاد موقوفات متعدد در صدد رفع ضروریات اهالی مشهد و زائران آن برآمدند (سیدی، ۱۳۹۲؛ سیدی فرخند، ۱۳۹۲؛ ایزدی، ۱۳۹۱، قصابیان، ۱۳۷۷)؛ به این ترتیب، شهر مشهد در نیمه دوم سده یازده قمری به یکی از کانون های فرهنگی-آموزشی مهم کشور تبدیل شد و وقف چنان در مشهد رواج یافت که می توان اصلی ترین هویت این شهر در آن زمان را دو پدیده «وقف» و «فرهنگ» خواند (سیدی فرخند، ۱۳۹۲، ص. ۳۱). به تبعیت از شاهان صفوی، امرا و دولتمردان حکومتی همچون خواجه عتیق منشی، الله وردی خان، مهدی قلی بیک میر آخورباشی و عباسقلی خان شاملو، موقوفات ارزشمندی را در شهر مشهد ایجاد کردند (انزابی نژاد، ۱۳۸۸)؛ به این ترتیب، به رغم فقدان قوانین رسمی حکومتی درباره وقف و موقوفات در دوره صفویه، نهاد وقف در سایه قوانین شریعت به شدت حمایت شده حکومت صفوی بود؛ بنابراین به عامل محیط نهادی وقف در مشهد دوره صفوی، نمره ۴ اختصاص داده شد که در جدول مقایسه اسمی معادل با «بله» است.

درباره عامل عملکرد متولیان موقوفات و سازمان‌های متولی وقف در مشهد دوره صفوی، شواهد حاکی است که شالوده تشکیلات اداری اوقاف از زمان صفویان آغاز شده است. در تشکیلات مذکور، صدرالصدور عالی‌ترین مقامی بود که از بین سادات و به‌طور مستقیم زیر نظر شاهان صفوی انتخاب می‌شد و نظارت و رسیدگی به امور اوقاف کشور را بر عهده داشت (شهابی، ۱۳۴۳، ص. ۱۰؛ نوایی و احمدی، ۱۳۸۱، صص. ۲۴-۲۶). در این دوره، متولی آستان قدس رضوی همواره شاه بود. شاه نیز به‌جای خود نماینده‌ای را به نایب‌التولیه‌ای منصوب می‌کرد که عمدتاً از علما و سادات بود (میراحمدی، ۱۳۷۱، ص. ۱۶۴). در زمان شاه اسماعیل، خواجه عتیق منشی نخستین فردی بود که با حکم شاه به تولیت رسمی آستان قدس درآمد (انزابی نژاد، ۱۳۸۸، ص. ۳۹). شاه‌عباس نیز به سادات رضوی شهر مشهد به‌خصوص نقبای ایشان توجه خاصی داشت و تولیت آستان قدس را به ایشان سپرد (قصابیان، ۱۳۷۷، ص. ۲۲۹). درباره سایر موقوفات نیز تولیت عمدتاً به خود واقف و پس از مرگ او به اعقاب و به‌ویژه اولاد ذکور با ذکر صفاتی همچون آسن، اکبر، اصلح، اتقی و اعلم واگذار می‌شد و در صورت انقراض نسل نیز یکی از صلحای مشهد یا متولی آستان قدس رضوی به تولیت موقوفات منصوب می‌شد (انزابی نژاد، ۱۳۸۸). وضعیت اداره موقوفات شاخص مشهد نظیر موقوفه گوهرشاد در دوره صفوی، حکایت از عملکرد مطلوب متولیان در حفظ و توسعه موقوفات در این دوره دارد (سیدی، ۱۳۸۶، صص. ۲۳۴-۲۳۸)، اما شروط گنجانده‌شده درباره تولیت موقوفات در وقف‌نامه‌های این دوره، حکایت از دخالت برخی صدور و مستوفیان در اداره امور موقوفات دارد (انزابی نژاد، ۱۳۸۸)؛ بنابراین به عملکرد متولیان موقوفات و سازمان‌های متولی وقف در مشهد دوره صفویه نمره ۳ اختصاص داده شد که معادل با «بله» در جدول مقایسه اسمی است.

به لحاظ نیات و انگیزه‌های واقفان، در مشهد عصر صفوی شکل‌گیری وقف‌های اولادی سادات رضوی و سروق‌دی‌ها، حکایت از انگیزه‌های مادی واقفان در جهت حفظ املاک و دارایی‌ها در بین فرزندان و خاندان خویش دارد، اما با دقت در وقف‌نامه‌های برجمانده از

این دوره درمی‌یابیم که واقفان عمدتاً برپایه انگیزه‌های معنوی و غیرمادی همچون عمل به تعالیم دینی، برخورداری از اجر اخروی و کمک به تأمین ضروریات شهر مشهد به وقف اموال خود اقدام کرده‌اند (انزابی‌نژاد، ۱۳۸۸). در دوره صفویه، وقف در بین مردم عادی مشهد کمتر رایج بوده و عمده واقفان این دوره را شاهان، افراد خاندان سلطنتی، امرا، دولت‌مردان و صاحب‌منصبانی تشکیل می‌داده‌اند که از پایگاه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بالایی در جامعه برخوردار بودند (شهیدی، ۱۳۹۴؛ سیدی فرخند، ۱۳۹۲؛ انزابی‌نژاد، ۱۳۸۸). یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مربوط به انگیزه‌ها و نیات واقفان مشهد در عصر صفوی که موجب اثرگذاری بیشتر نیات آن‌ها نیز شده است، توجه به نیازهای ضروری مشهد و تلاش برای رفع آن‌ها بوده است. در واقع، در این دوره کمتر نیازی در شهر مشهد وجود داشته که از طریق وقف برای رفع آن اقدام نشده باشد (شهیدی، ۱۳۹۴؛ انزابی‌نژاد، ۱۳۸۸). تنوع و گستردگی رقبات وقف‌شده از دیگر مواردی است که ضمن ایجاد درآمد برای موقوفات، اثرگذاری بیشتر نیات واقفان را به همراه داشته است. همچنین شروط مختلف در نظر گرفته شده توسط واقفان در وقف‌نامه‌های این دوره، امکان حفظ و توسعه هر چه بهتر موقوفات را فراهم آورده است (انزابی‌نژاد، ۱۳۸۸)؛ بنابراین به عامل نیات و انگیزه‌های واقفان مشهد در دوره صفویه، نمره ۴ اختصاص داده شد که معادل با «بله» در جدول مقایسه اسمی است.

متغیر پیامدی تأثیر وقف بر توسعه شهر مشهد نیز حاکی است که در بعد اقتصادی توسعه، حجم زیادی از سرمایه‌های فیزیکی در موقوفات مشهد در دوره صفویه انباشته شده بود. چنانکه بسیاری از مزارع، باغات و مستغلاتی نظیر دکاکین، بازارچه‌ها، طواحین (آسیاب)، کاروانسراها، قنوات و حمام‌هایی که در مشهد آباد و درآمد داشتند، به حالت وقف درآمده‌اند و بخش مهمی از نیازهای مادی ساکنان مشهد از جمله رفع مشکل کم‌آبی، کمک به فقرا و نیازمندان و تأمین هزینه‌های خوراک، اسکان و رفت‌وآمد مسافران از طریق موقوفات تأمین می‌شده است. در واقع، در دوره صفوی کمتر نیازی در شهر مشهد وجود

داشته است که از طریق وقف برای رفع آن اقدام نشده باشد (اکبری، ۱۳۹۹، صص. ۱۲۱-۱۲۰). در بعد اجتماعی توسعه، نهضت تأسیس مدارس و مساجد وقفی از جمله مدارس خیرات خان، میرزاجعفر، فاضل خان، عباسقلی خان، سمیعیه، نواب، سعدیه، ابدال خان، بهزادیه، رضوان و مساجد امام رضا (ع)، نائب، آب انبار و صدیقی‌ها در کنار ایجاد موقوفاتی برای دارالشفاء و قرائت‌خانه حضرت و تشکیل مجالس روضه خوانی و تعزیه‌داری خاندان رسول، به تقویت و تحکیم مبانی دینی و مذهبی در بین مردم و ارتقای سطح دانش و سلامتی آن‌ها منجر شد (شهابی، ۱۳۴۳، ص. ۷). در بعد محیطی توسعه در دوره صفویه نیز علاوه بر گسترش اراضی وقفی، بناهای سودمند شهری زیادی اعم از مدارس، مساجد، کاروانسراها و حمام‌ها از طریق وقف در مشهد احداث شد (اکبری، ۱۳۹۹، صص. ۱۳۰-۱۳۸) که در توسعه فیزیکی و فضایی این شهر مؤثر بودند. در این دوره در ساختار فضایی شهر مشهد شاهد احداث اولین خیابان وقفی معروف به بالاخیابان و پایین خیابان هستیم که شاه عباس با هدف رفع مشکل کم‌آبی و انتقال آب چشمه گُلسب (چشمه گیلان کنونی) به مشهد احداث کرد (سیدی فرخند، ۱۳۹۲، ص. ۷۲؛ قصابیان، ۱۳۷۷، ص. ۲۰۷). حرم مطهر رضوی نیز در دوره صفویه از سمت شمال و شرق با تأسیس گنبد الله‌وردی خان و گنبد حاتم‌خانی که موقوفات متعددی داشتند، به لحاظ فیزیکی توسعه یافت (سیدی فرخند، ۱۳۹۲، ص. ۸۵)؛ بنابراین به پیامد بررسی شده یعنی تأثیر وقف بر توسعه مشهد در دوره صفوی، نمره ۴ اختصاص داده شد که در جدول مقایسه اسمی معادل با «بله» است.

۴. ۱. ۳. دوره پهلوی

درباره محیط نهادی وقف در مشهد دوره پهلوی، شواهد دلالت بر آن دارد که طرح مدرنیزاسیون و علنی شدن سیاست‌های اسلام‌ستیزانه رضاشاه و عطش سیری‌ناپذیر او در غصب املاک مرغوب وقفی موجب شد که قوانین مختلفی برای دست‌درازی به موقوفات تصویب شود. یکی از مهم‌ترین این قوانین، قانون مصوب سال ۱۳۲۰ بود که براساس آن وزارت دارایی به اسم تبدیل به احسن، به‌طور رسمی مجوز خرید و فروش و تملک

موقوفه‌ها را دریافت کرد (نوائیان رودسری، ۱۳۹۰ الف، ص. ۶۴؛ نوائیان رودسری، ۱۳۹۰ ب، ص. ۳۶). در زمان محمدرضا پهلوی نیز تصویب قانون اصلاحات ارضی یکی از اقداماتی بود که راه دست‌درازی به بسیاری از اراضی موقوفه را هموار کرد؛ به طوری که در ذیل اجرای مراحل اول و دوم این قانون، بسیاری از اراضی و قرای موقوفه شهر مشهد از حالت وقف خارج شدند یا به اجاره طولانی مدت داده شدند (ازغندی، ۱۳۸۶، ص. ۱۸۳؛ جلالی، ۱۳۷۸، صص. ۱۱۶-۱۲۶). از جمله این موقوفات می‌توان به موقوفه سادات رضوی، موقوفه عبدالله رضوی و برخی رقبات موقوفه گوهرشاد اشاره کرد (جلالی، ۱۳۷۸؛ نیک‌مهر، ۱۳۹۱). در زمینه املاک وقفی آستان قدس رضوی نیز پیش‌بینی شده بود که املاک این آستان به مدت ۹۹ سال به شرکت‌های تعاونی اجاره داده شود (نیک‌مهر، ۱۳۹۱، صص. ۱۲۶-۱۲۷)؛ بنابراین به عامل محیط نهادی وقف در مشهد دوره پهلوی نمره ۱ اختصاص داده شد که معادل با «خیر» در جدول مقایسه اسمی است.

شواهد موجود درباره عملکرد متولیان موقوفات و سازمان‌های متولی وقف در مشهد دوره پهلوی بیانگر آن است که تا قبل از سال ۱۳۲۸ هجری شمسی، اداره اوقاف خراسان در کنار اداره معارف و صنایع مستظرفه مشغول به فعالیت بوده و از این سال به بعد، از اداره معارف و صنایع مستظرفه جدا شده و به طور مستقل به کار خود ادامه داده است. از این تاریخ تا سال ۱۳۴۵ که زمان رسمی شکل‌گیری اداره اوقاف خراسان بود، افراد مختلفی ریاست این اداره را در دست گرفتند (نیک‌مهر، ۱۳۹۱، صص. ۵۹-۶۱؛ صفری دهکردی، ۱۳۸۳، ص. ۲۲)، اما به دلیل روند نزولی سیر اداری اداره اوقاف و تصویب قوانین محدودکننده وقف در تهران و ابلاغ آن به شهرستان‌ها، اداره اوقاف خراسان در عمل نتوانست نقش مهمی در حفظ و توسعه موقوفات مشهد در این دوره داشته باشد. تولید آستان قدس رضوی و موقوفات آن نیز بر عهده شاه بود و فردی از طرف او به نیابت تولیت منصوب می‌شد. از میان این نایب‌التولیه‌ها، افرادی معدود همچون محمدولی خان اسدی و سید جلال‌الدین تهرانی اقدامات مؤثری در جهت حفظ و توسعه موقوفات انجام دادند، اما

متاسفانه عملکرد دیگر نایب‌التولیه‌های آستان قدس چندان رضایت‌بخش نبود و مردم به فردی مانند پاکروان و ولیان به دلیل دستبرد به موقوفات آستان قدس و تخریب بناهای اطراف حرم بدبین شدند (نیک‌مهر، ۱۳۹۱، ص. ۱۷۰). نزاع بین وارثان برخی موقوفات و متولیان آن‌ها به خصوص در موقوفه عباسقلی خان، از دیگر شواهدی است که بیانگر عملکرد ضعیف متولیان موقوفات در مشهد عصر پهلوی است (نویسی و ملک‌زاده، ۱۳۸۴)؛ بنابراین با در نظر گرفتن اقدامات مثبت متولیانی همچون اسدی به عملکرد متولیان موقوفات و سازمان‌های متولی وقف در مشهد دوره پهلوی نمره ۲ اختصاص داده شد که در جدول مقایسه اسمی معادل با «خیر» است.

نیات و انگیزه‌های واقفان مشهد در دوره پهلوی حکایت از تقویت انگیزه‌های مادی دارد؛ به طوری که بسیاری از زمین‌داران و کشاورزان مشهد از جمله حاج حسین آقاملک از ترس دست‌درازی حکومت و اجرای قانون اصلاحات ارضی، زمین‌های خود را وقف کردند (مرتضوی قصاب‌سرایلی، ۱۳۸۷؛ نیک‌مهر، ۱۳۹۱). افزایش توجه به امور درمانی و بهداشتی مردم و زائران مشهد و همچنین توجه به مسائل آموزشی از دیگر ویژگی‌های نیات واقفان مشهد در این دوره بوده است (نیک‌مهر و وکیلی، ۱۳۹۱، صص. ۲۳۳-۲۳۴). آمار کم نیات اجتماعی واقفان مشهد در دوره پهلوی بیانگر آن است که به‌رغم گسترش شهر مشهد و افزایش جمعیت و در نتیجه پیدایش نیازهای جدید، تنها تعداد محدودی از واقفان در نیات خود به رفع نیازهای روز و ضروری این شهر توجه داشتند. رواج وقف در بین طبقات مختلف مردم، به‌ویژه مردم عادی موجب افزایش موقوفات خرد در این دوره شد که این موقوفات دوام و ماندگاری زیادی نداشتند. رقبات وقف‌شده توسط واقفان طیف متنوعی از رقبات مسکونی، تجاری، باغ، زمین، قنات و جویبار را در برمی‌گرفت، اما درصد زیاد باغ و زمین‌های وقف‌شده در مقایسه با سایر رقبات وقفی نشان می‌دهد که در این دوره کشاورزی هنوز از اهمیت زیادی در شهر مشهد برخوردار بوده است (نیک‌مهر و وکیلی، ۱۳۹۱، صص. ۲۲۴-۲۲۶). کاهش شروط مدنظر واقفان در حفظ و اداره موقوفات، عامل دیگری است که

بر کاهش اثرگذاری نیت آن‌ها در این دوره مؤثر بوده است؛ بنابراین به عامل نیت و انگیزه‌های واقفان مشهد در دوره پهلوی نمره ۲ اختصاص داده شد که معادل با «خیر» در جدول مقایسه اسمی است. درباره متغیر پیامدی تأثیر وقف بر توسعه شهر مشهد باید گفت که به رغم ایجاد موقوفات متعدد در مشهد دوره پهلوی، نهاد وقف نتوانست تأثیر چندانی بر توسعه شهر مشهد در این دوره داشته باشد؛ چراکه تحت تأثیر اجرای سیاست‌ها و برنامه‌هایی چون قانون اصلاح ارضی، تبدیل به احسن کردن موقوفات و سوءعملکرد متولیانی مانند پاکروان و ولیان به بسیاری از موقوفات آستان قدس و رقباتی از موقوفات مهم مشهد همچون گوهرشاد، سادات رضوی و عباسقلی خان دست‌درازی شد و از حالت وقف خارج شد (نیک‌مهر، ۱۳۹۱؛ سیدی، ۱۳۸۶). این امر در بعد اقتصادی توسعه به کاهش سرمایه‌های فیزیکی انباشته‌شده در موقوفات این دوره انجامید. همچنین به رغم گسترش شهر مشهد و افزایش جمعیت و در نتیجه پیدایش نیازهای جدید در این شهر، غیر از تعداد محدودی از واقفان، از جمله حاج حسین آقاملک و عبدالله رضوی، دیگر واقفان این دوره در نیت خود توجه چندانی به رفع نیازهای ضروری مشهد نداشتند (اکبری، ۱۳۹۹، ص. ۱۶۸). در بعد اجتماعی توسعه با ورود مدرنیته و رواج افکار جدید در امر آموزش، وقف از انحصار مدارس علوم دینی خارج شد و و بالغ بر ده مدرسه و دبیرستان وقفی به سبک جدید از جمله دبیرستان قریشی، دبیرستان فردوسی و دبیرستان شاه‌رضا در شهر مشهد تأسیس شد (نیک‌مهر، ۱۳۹۱، صص. ۹۶-۱۰۲). همچنین به‌رغم سیاست حکومت پهلوی در محدودسازی حوزه‌های علمیه و مدارس علوم دینی و چنگ‌اندازی به موقوفات آن‌ها، موارد مصرف برخی از موقوفات مشهد در این دوره، به حوزه‌های علمیه اختصاص یافت (نیک‌مهر، ۱۳۹۱، صص. ۱۰۶-۱۱۱). احداث و وقف مراکز درمانی از قبیل بیمارستان شاه‌رضا (از محل عواید حاصل از موقوفات آستان قدس رضوی) و بیمارستان منتصریه (از محل موقوفات رابعه خانم احترام السلطنه قهرمان) (نیک‌مهر، ۱۳۹۱، صص. ۱۴۰-۱۴۱) نیز هرچند در بعد اجتماعی توسعه ظرفیت مناسبی در شهر مشهد بوجود آورده بود، به دلیل

سوءمدیریت متولیان، دخالت‌ها و دست‌درازی‌های حکومت، این موقوفات در عمل نتوانستند تأثیر چندانی بر توسعه مشهد بگذارند. در بعد محیطی توسعه، از آنجاکه به دلیل دست‌درازی حکومت و سوءعملکرد متولیان بسیاری از اراضی وقفی و رقبات موقوفات از حالت وقف خارج شد، وسعت اراضی وقفی مشهد در دوره پهلوی کاهش پیدا کرد. تخریب و تبدیل به احسن شدن بسیاری از موقوفات این دوره نیز نقش وقف در توسعه کالبدی و فضایی شهر مشهد را کاهش داد. همچنین تأثیر مستقیم وقف بر توسعه فیزیکی مجموعه بیوتات و صحن‌های حرم مطهر کاهش یافت و عمده اقدامات مربوط به نوسازی و توسعه حرم، توسط متولیان آستان قدس و از محل درآمدهای مختلف آستانه از جمله درآمدهای حاصل از موقوفات مطلقه^۱ انجام گرفت (اکبری، ۱۳۹۹، ص. ۱۸۴)؛ بنابراین به‌رغم موقوفات ایجادشده در دوره پهلوی، به پیامد بررسی‌شده یعنی تأثیر وقف بر توسعه مشهد در این دوره نمره ۲ اختصاص داده شد که در جدول مقایسه اسمی معادل با «خیر» است.

۱. در بین امنای آستان قدس، موقوفات این آستان به دو نام خاصه و مطلقه رایج است. موقوفات خاصه عبارت است از رقباتی که واقف و وقف‌نامه آن مشخص است و موقوفات مطلقه نیز به موقوفات خاصه‌ای گفته می‌شود که اسناد و وقف‌نامه‌های آن‌ها در انقلابات و غارت‌ها یا به دلایل دیگر از بین رفته است و در دسترس نیست؛ بنابراین سعی شده است که در تمام قرون گذشته درآمد این قبیل موقوفات به مصرف اقرب نظر واقفین اوقاف خاصه برسد. از آنجاکه مصارف بیشتر اوقاف خاصه به روشنایی، فرش، تعمیرات، حقوق خدمه، دستگیری از مستمندان و مصارف دیگر اختصاص یافته است، مصارف موقوفات مطلقه هم باید شامل یکی از وجوه شروط عمومی سایر اوقاف خاصه در نظر گرفته شود (مولوی، ۱۳۵۳، صص. ۳-۴).

۲.۴. یافته‌های بین موردی

جدول ۱. جدول ارزش مقایسه اسمی برای تحلیل بین‌موردی

پیامد	عوامل و شرایط			موردها
	انگیزه‌ها و نیت واقفان	عملکرد متولیان موقوفات و سازمان‌های متولی وقف	محیط نهادی وقف	
تقویت تأثیر وقف بر توسعه در مشهد	۳	۳	۳	مشهد دوره تیموری
بله	بله	بله	بله	
۴	۴	۳	۴	مشهد دوره صفوی
بله	بله	بله	بله	
۲	۲	۲	۱	مشهد دوره پهلوی
خیر	خیر	خیر	خیر	

با توجه به آنچه به کمک تحلیل روایی عوامل علی و پیامد حاصل در هرکدام از دوره‌های تیموری، صفوی و پهلوی در شهر مشهد به دست آمد، جدول ۱ برای انجام مقایسه‌های اسمی بین موردی طراحی شد.

مطابق جدول ۱، دو دوره تیموری و صفوی در مشهد مواردی هستند که پیامد بررسی شده یعنی تقویت تأثیر وقف بر توسعه در آنها اتفاق افتاده است؛ بنابراین برطبق روش توافق میل، هر سه عامل تبیینی یعنی محیط نهادی وقف، عملکرد متولیان موقوفات و سازمان‌های متولی وقف و انگیزه‌ها و نیت واقفان که در هر دو مورد مثبت وجود داشته‌اند، به‌عنوان علل تقویت تأثیر وقف بر توسعه شهر مشهد پذیرفته می‌شوند؛ البته از آنجاکه روش غیرمستقیم اختلاف به دلیل نزدیک بودن به طرح آزمایشی بر روش توافق رجحان دارد (طالبان، ۱۳۹۳، ص. ۷۵)، با اضافه کردن دوره پهلوی به‌عنوان موردی که پیامد مدنظر در آن رخ نداده است و با استفاده از روش غیرمستقیم اختلاف، به تعیین علل تقویت تأثیر وقف بر توسعه شهر مشهد پرداخته شد. حاصل کاربرد روش غیرمستقیم اختلاف این بود که هر سه

عامل یا مبین پیشنهادی در مواردی که تأثیر وقف بر توسعه شهر مشهد تقویت شده است (دوره‌های تیموری و صفوی)، وجود دارند و در موردی که تضعیف شده است (دوره پهلوی)، وجود ندارند؛ بنابراین هر سه مبین محیط نهادی وقف، عملکرد متولیان موقوفات و سازمان‌های متولی وقف و انگیزه‌ها و نیات واقفان، دارای اهمیت علی برای تقویت تأثیر وقف بر توسعه در شهر مشهد هستند. تعبیر «اهمیت علی سه عامل» به جای «علیت سه عامل» به برخی محدودیت‌هایی اشاره دارد که در استفاده از روش‌های میل با آن روبه‌رو هستیم. یکی از این محدودیت‌ها، مسئله «علیت متکثر یا ترکیبی» و «علیت عطفی یا متلاقی» است که روش‌های میل از بررسی آن ناتوان‌اند (طالبان، ۱۳۹۳، صص. ۷۶-۷۵). در موضوع بحث‌شده ما نیز این امکان وجود دارد که نه فقط صرف حضور مبین‌ها در کنار هم، بلکه تعامل و ترکیبی از حضور یا غیاب آن‌ها، عامل تقویت یا تضعیف تأثیر وقف بر توسعه شهر مشهد باشد. همچنین ممکن است تقویت تأثیر وقف بر توسعه شهر مشهد، پیامد چند عامل یا چند ترکیب از علل باشد که حضور هر کدام از آن‌ها مستقل از عامل‌های دیگر به تضعیف این تأثیر بینجامد.

بر اساس یافته‌های بین‌موردی، در رویکرد نظری که برای تبیین تأثیر وقف بر توسعه در شهر مشهد پیشنهاد شد، سه عامل به‌عنوان شروط بالقوه لازم برای تقویت یا تضعیف تأثیر وقف بر توسعه در این شهر مدنظر قرار گرفت، ولی در نظریه پیشنهادی، هیچ‌کدام از عامل‌ها به‌تنهایی به‌عنوان شرط کافی معرفی نشدند؛ بنابراین براساس ارزش‌های جدول مقایسه اسمی، از آنجاکه لزوم هیچ‌کدام از سه عامل ارائه‌شده در مدل نظری پژوهش را نمی‌توان ابطال کرد، مدل پیشنهادی تأیید می‌شود؛ بر این اساس، تقویت یا تضعیف تأثیر وقف بر توسعه در شهر مشهد تابعی از «محیط نهادی وقف» و «عملکرد متولیان موقوفات و سازمان‌های متولی وقف» و «انگیزه‌ها و نیات واقفان» است.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

براساس یافته‌های به‌دست‌آمده از مقایسه اسمی و با توجه به روایت پردازشی تاریخی انجام‌شده در قسمت تحلیل درون‌موردی، نتیجه گرفته می‌شود که بین محیط نهادی وقف و تقویت یا تضعیف تأثیر وقف بر توسعه رابطه وجود دارد؛ به‌طوری‌که محیط نهادی حامی وقف موجب تقویت تأثیر وقف بر توسعه در شهر مشهد در دوره‌های تیموری و صفوی شده است؛ درحالی‌که محیط نهادی محدودکننده وقف در دوره پهلوی این تأثیر را تضعیف کرده است. همچنین بین عملکرد متولیان و سازمان‌های متولی وقف و تأثیر وقف بر توسعه رابطه وجود دارد؛ به‌نحوی‌که عملکرد مؤثر متولیان و سازمان‌های متولی وقف در دوره‌های تیموری و صفوی، تأثیر وقف بر توسعه مشهد را تقویت کرده و سوءعملکرد آن‌ها این تأثیر را تضعیف کرده است. همچنین نتیجه گرفته می‌شود که بین انگیزه‌ها و نیات واقفان و تأثیر وقف بر توسعه رابطه وجود دارد، به‌طوری‌که تقویت انگیزه‌های معنوی در بین واقفان و اثرگذاری بیشتر نیات آن‌ها در دوره‌های تیموری و صفوی، تأثیر وقف بر توسعه مشهد در این دوره‌ها را تقویت کرده و تضعیف انگیزه‌های معنوی و کاهش اثرگذاری نیات آن‌ها در دوره پهلوی این تأثیر را تضعیف کرده است.

به لحاظ نظری و با بازگشت به مدل نتیجه گرفته می‌شود که رابطه متقابلی بین عوامل سطوح خرد، میانی و کلان در تقویت یا تضعیف تأثیر وقف بر توسعه وجود دارد، اما متغیر سطح کلان یعنی محیط نهادی وقف، تأثیر بیشتری بر عملکرد متولیان موقوفات و سازمان‌های متولی وقف در سطح میانی و انگیزه‌ها و نیات واقفان در سطح خرد داشته است، اما در طرف مقابل، عملکرد متولیان و انگیزه‌ها و نیات واقفان تأثیر چندانی بر تغییر محیط نهادی وقف نداشته است. براساس یافته‌های تحقیق، این موضوع به‌خصوص در دوره پهلوی موجب شده است که به‌رغم تداوم حیات وقف و اقدامات مؤثر برخی واقفان و متولیان، به‌دلیل تضعیف محیط نهادی وقف، باز هم این نهاد نتواند تأثیر زیادی بر توسعه شهر مشهد داشته باشد؛ درحالی‌که در دوره‌های تیموری و صفویه، تحت تأثیر محیط نهادی شکل‌گرفته،

انگیزه‌ها و نيات واقفان تقويت شده است و متوليان نيز عملکرد بهتري در حفظ و توسعه موقوفات داشته‌اند (اکبری، ۱۳۹۹، صص. ۲۰۹-۲۱۰).

به لحاظ روش‌شناسی نیز ماهیت زمانمند بودن و زمینه بودن نهاد وقف و تأثیر آن بر توسعه، استفاده از روش تطبیقی- تاریخی را ایجاب کرد، اما انتخاب این روش محدودیت‌هایی به همراه داشت که دشواری دسترسی محقق به منابع دست اول، به‌خصوص اسناد و وقف‌نامه‌ها و تعداد کم موردهای انتخاب‌شده که امکان استفاده از دیگر روش‌های تحلیل بین‌موردی مانند جبر بولی و تحلیل فازی را نمی‌داد، از جمله آن‌ها بود. محرمانه تلقی شدن اطلاعات مربوط به موقوفات و واقفان از سوی سازمان‌های متولی وقف و کم بودن میزان اعتماد آن‌ها به پژوهشگران، از دیگر محدودیت‌های انجام پژوهش حاضر بود.

براساس نتایج پژوهش، برای استفاده بهتر از ظرفیت نهاد وقف در امر توسعه، پیشنهاد می‌شود که دولت و مجلس قوانین حمایتی بیشتر و محکم‌تری را برای پشتیبانی و حمایت از وقف و جلوگیری از حیف و میل موقوفات تصویب کنند، نیازهای روز جامعه شناسایی شود و با انجام مشاوره‌های لازم، نيات و انگیزه‌های واقفان به سمت تأمین این نیازها هدایت شود، روند اداری پر پیچ و خم موجود در انجام وقف توسط سازمان‌های متولی، اصلاح و تسهیل شود، از ظرفیت رسانه‌های گروهی به‌خصوص رادیو و تلویزیون برای تغییر نگرش مردم درباره وقف و ترویج فرهنگ وقف در جامعه استفاده شود، نظارت بیشتری بر عملکرد متولیان موقوفات در جهت اجرای نيات واقفان و حفظ و اداره موقوفات صورت گرفته و متولیان که عملکرد مؤثری در این خصوص دارند، مورد تقدیر قرار گیرند. به پژوهشگران بعدی نیز پیشنهاد می‌شود که با استفاده از رویکردهای مختلف جامعه‌شناختی، عوامل و متغیرهای بیشتری که امکان جمع‌آوری اطلاعات و شواهد تاریخی در مورد آن‌ها وجود دارد را به مدل اضافه نموده و دوره‌های تاریخی بیشتری را به‌عنوان موردهای مطالعه به تحلیل خود وارد کنند تا با فراهم شدن امکان استفاده از تکنیک‌هایی چون جبر بولی، توانمندی روش در آزمون تئوری بیشتر شود. همچنین پیشنهاد می‌شود در مطالعه ای تطبیقی، تأثیر

نهاد وقف بر توسعه جوامع اسلامی با تأثیر نهادهای مشابه غربی بر توسعه این کشورها مورد مقایسه قرار گیرد.

کتابنامه

۱. ازغندی، ع. ر. (۱۳۸۶). تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران از سال ۱۳۵۷-۱۳۲۰. تهران: سمت.
۲. اکبری، ا. (۱۳۹۹). تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر وقف بر توسعه در شهر مشهد (مطالعه تطبیقی-تاریخی دوره‌های تیموری، صفوی و پهلوی) (رساله منتشر نشده دکتری). دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.
۳. امامی، س. ح. (۱۳۸۳). حقوق مدنی (جلد اول). تهران: اسلامیه.
۴. انزابی‌نژاد، ر. (۱۳۸۸). بیست وقفنامه از خراسان. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۵. اهلرز، ا. (۱۳۷۴). موقوفات دینی و شهر شرق اسلامی (م. مؤمنی، و م. ح. ضیاء توانا، مترجمان). وقف میراث جاویدان، (۱۰)، ۵۳-۵۰.
۶. ایزدی، ح. (۱۳۹۱). شاهان صفوی و زیارت. فصلنامه شیعه‌شناسی، (۳۹)، ۱۵۲-۱۳۱.
۷. بی‌نا. (۱۳۸۶). رخدادهای تأثیر گذار در زندگی اجتماعی فرهنگی مردم مشهد (سیر تحولات شهر مشهد). دو فصلنامه جستارهای شهرسازی، (۲۲ و ۲۳)، ۵۱-۴۵.
۸. پسندیده، م. (۱۳۸۰). مدارس علوم دینی مشهد در دوره تیموری و صفوی. وقف میراث جاویدان، (۳۵ و ۳۶)، ۴۶-۳۹.
۹. پسندیده، م. (۱۳۸۴). چهار مدرسه از دوره تیموریان و صفویان. وقف میراث جاویدان، (۴۷ و ۴۸)، ۱۶-۱۴.
۱۰. جلالی، غ. ر. (۱۳۷۸). مشهد در بامداد نهضت امام خمینی (ره). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۱. حسینی تربتی، ا. (۱۳۴۲). تزویرات تیموری. تهران: اسدی.
۱۲. خواندمیر. (۱۳۳۳). تاریخ حبیب السیر فی اخبار بشر (زیر نظر محمد دبیرسیاقی). تهران: کتابفروشی خیام.

۱۳. دهقان، م. (۱۳۸۴). نقش نهاد وقف در دگرگونی های اجتماعی - فرهنگی شهر مشهد در دوره صفوی (رساله منتشر نشده دکتری). دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.
۱۴. ریگین، چ. (۱۳۹۷). روش تطبیقی، فراسوی راهبردهای کمی و کیفی (م. فاضلی، مترجم) (چاپ چهارم). تهران: آگه.
۱۵. ریمون، آ. (۱۳۷۰). شهرهای بزرگ عربی - اسلامی در قرن های ۱۰ تا ۱۲ هجری (ح. سلطانزاده، مترجم). تهران: مترجم.
۱۶. زاهدی، ش. ا. و نجفی، غ. ر. (۱۳۸۵). بسط مفهومی توسعه پایدار. نامه مدیریت، (۱۰)، ۷۶-۴۳.
۱۷. ساعی، ع. (۱۳۹۲). روش پژوهش تطبیقی با رویکرد تحلیل کمی، تاریخی و فازی (چاپ اول). تهران: آگه.
۱۸. سیدی فرخند، س. م. (۱۳۹۲). نگاهی به جغرافیای تاریخی شهر مشهد. مشهد: مرکز پژوهش های شورای اسلامی شهر مشهد.
۱۹. سیدی، م. (۱۳۸۲). سیمای تاریخی - فرهنگی شهر مشهد (چاپ اول). مشهد: آوا.
۲۰. سیدی، م. (۱۳۸۶). مسجد و موقوفات گوهرشاد. تهران: کومه.
۲۱. سیدی، م. (۱۳۸۷). تاریخ شهر مشهد از آغاز تا مشروطه. مشهد: جامی.
۲۲. شاه حسینی، پ. (۱۳۸۹). تأثیرات وقف بر شهر تهران. مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین المللی جغرافیدانان جهان اسلام، زاهدان.
۲۳. شهابی، س. م. ر. (۱۳۸۳). مبانی و چهارچوب نظری تأثیر وقف در شکل گیری فضاهای شهری. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، (۷۲)، ۱۵۰-۱۳۵.
۲۴. شهابی، ع. ا. (۱۳۴۳). تاریخچه وقف در اسلام. تهران: دانشگاه تهران.
۲۵. شهیدی، ح. (۱۳۹۴). نقش وقف در توسعه آبی و شکل گیری فضاهای شهری مشهد در دوره صفویه. مطالعات تاریخ اسلام، ۷(۲۵)، ۱۲۰-۹۵.
۲۶. صفایی پور، م.، سیاحی، ز.، زرگر شوشتری، م. ا.، و داری پور، ن. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر وقف بر توسعه اقتصادی شهر اهواز (مطالعه موردی: منطقه یک). فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی شهری، (۱۶)، ۱۰۴-۸۹.

۲۷. صفری دهکردی، ع. ا. (۱۳۸۳). *تاریخچه اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان به روایت گفتار و تصویر. مشهد: سگال.*
۲۸. طالبان، م. ر. (۱۳۹۳). *روش‌شناسی مطالعات انقلاب با تأکید بر انقلاب اسلامی ایران (چاپ دوم). تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.*
۲۹. عباس‌زاده، م. (۱۳۹۱). *تأملی بر اعتبار و پایداری در تحقیقات کیفی. فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، (۴۵)، ۳۴-۱۹.*
۳۰. عشایر سلطانی، غ. ح. (۱۳۸۰). *مطالعه موردی بررسی نقش وقف در توسعه شهر زنجان (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). مرکز آموزش مدیریت دولتی زنجان، ایران.*
۳۱. عنبری، م. و خالندی، ا. (۱۳۹۱). *بررسی مسئله وقف در دوره تیموری. تاریخ پژوهی، (۵۱)، ۲۰-۱.*
۳۲. فاضل بسطامی. (۱۳۹۰). *فردوس التواریخ (تاریخ ارض اقدس) (تصحیح و تحقیق علیرضا اکرمی). تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.*
۳۳. قصابیان، م. ر. (۱۳۷۷). *تاریخ مشهد (از پیدایش تا آغاز دوره افشاریه). مشهد: انصار.*
۳۴. کوئن، ب. (۱۳۹۳). *مبانی جامعه‌شناسی (با تجدیدنظر اساسی و اضافات) (غ. ع. توسلی، و ر. فاضل، مترجم). تهران: سمت.*
۳۵. مرتضوی قصاب سرایی، م. (۱۳۸۷). *حاج حسین آقا ملک: شخصیت، اقدامات، خدمات، وقف میراث جاویدان، (۶۲)، ۷۳-۶۸.*
۳۶. مولوی، ع. ا. (۱۳۵۳). *پیش‌نویس فهرست موقوفات آستان قدس رضوی (نسخه تایپی). محفوظ در آستان قدس رضوی.*
۳۷. میر احمدی، م. (۱۳۷۱). *تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عصر صفوی (چاپ اول). تهران: امیرکبیر.*
۳۸. نوایی، ع. ح. و احمدی، ن. (۱۳۸۱). *ساختار نهاد وقف در عصر صفوی. فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، (۴۳)، ۴۲-۲۱.*
۳۹. نوایی، ع. ح. و ملک‌زاده، ا. (۱۳۸۴). *مدرسه عباسقلی خان مشهد و نزاع بین وارثان و متولیان وقت. فصلنامه وقف میراث جاویدان، (۵۰)، ۴۲-۳۳.*

۴۰. نوائیان رودسری، ج. (۱۳۹۰). تاراج موقوفات در عصر پهلوی. رصد (ویژه‌نامه تحلیلی دفتر پژوهش مؤسسه فرهنگی هنری خراسان)، (۱۸)، ۳۷-۳۶.
۴۱. نوائیان رودسری، ج. (۱۳۹۰). یکصد سال قانون برای وقف. رصد (ویژه‌نامه تحلیلی دفتر پژوهش مؤسسه فرهنگی هنری خراسان)، (۱۸)، ۶۴-۶۳.
۴۲. نیازی، م.، جعفرپور، م.، و کارکنان نصرآبادی، م. (۱۳۹۴). جامعه شناسی وقف (چاپ اول). تهران: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه.
۴۳. نیک مهر، ا. ا. (۱۳۹۱). وقف در مشهد عصر پهلوی (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.
۴۴. نیک مهر، ا. ا.، و وکیلی، ه. (۱۳۹۲). نیت و مصارف موقوفات واقفان مشهد در دوره پهلوی اول و دوم (با تکیه بر وقف نامه‌های اداره اوقاف خراسان رضوی و آستان قدس رضوی). مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ، ۴۵ (۱۳۱)، ۱۰۹-۹۱.
۴۵. هانت، د. (۱۳۸۶). نظریه‌های اقتصادی توسعه: تحلیلی از پارادایم‌های رقیب (غ. ر. آزاد ارمکی، مترجم). تهران: نی.
۴۶. یزدی مطلق، م. (۱۳۸۰). مسجد گوهرشاد مشهد و موقوفات آن. وقف میراث جاویدان، (۳۵) و (۳۶)، ۱۹۲-۱۸۵.

47. Ghazaleh, P. (2011). Held in trust, waqf in the Islamic world, *Journal of Islamic Studies*, 26, 59-61.
48. Magis, K., & Shinn, C. W. (2009), *Emergent principles of social sustainability*, In J. Dillard, V. Dujon, & M. C. King (Eds.), *Understanding the social dimension of sustainability*. London: Routledge.
49. Nee, V. (2003). *The new institutionalism in economic and sociology*. Center for the Study of Economy and Society Cornell University.
50. Saduman, S., & Aysun, E. (2009). The socio-economic role of Waqf system in the Muslim ottoman cities' Formation and volution. *Trakia Journal of Sciences*, 7, 272-275.